

این مرتیکه یه زنه!



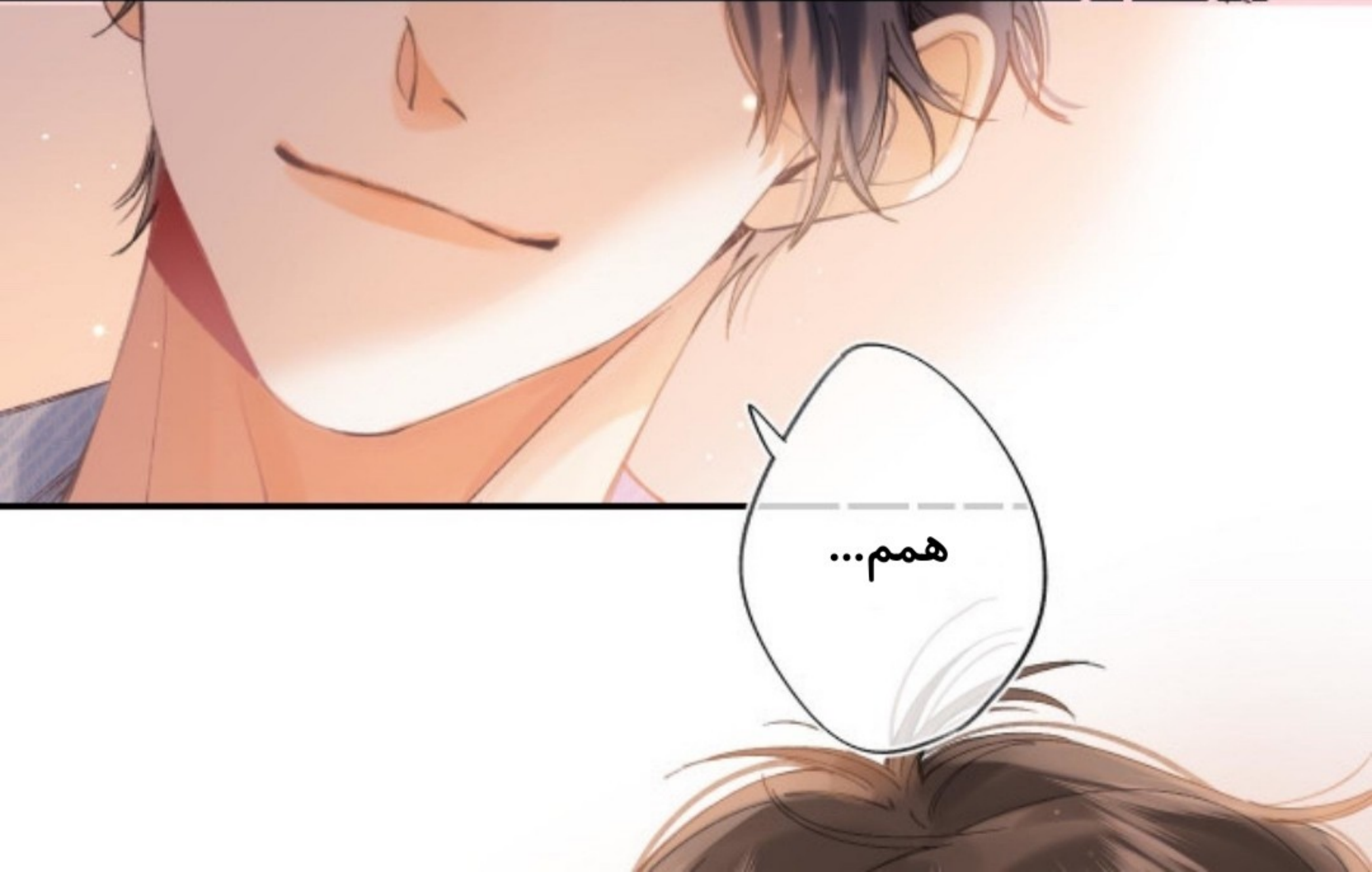
جان؟

گول این ظاهر
و قدشو نخورین

اون واقعا یه زنه.



همم...





هانی؟

مور مور شدن



لازم نیست
اینقدر به خودت
زحمت بدی.

حتی اگه چیزی
نگی هم، باز من





توی قلبت
زیباترین زن دنیام.



گرفتن



هانیی ~~

وایسا منم
بیام دیگه ~







واقعاً که
خیلی پنداشی.

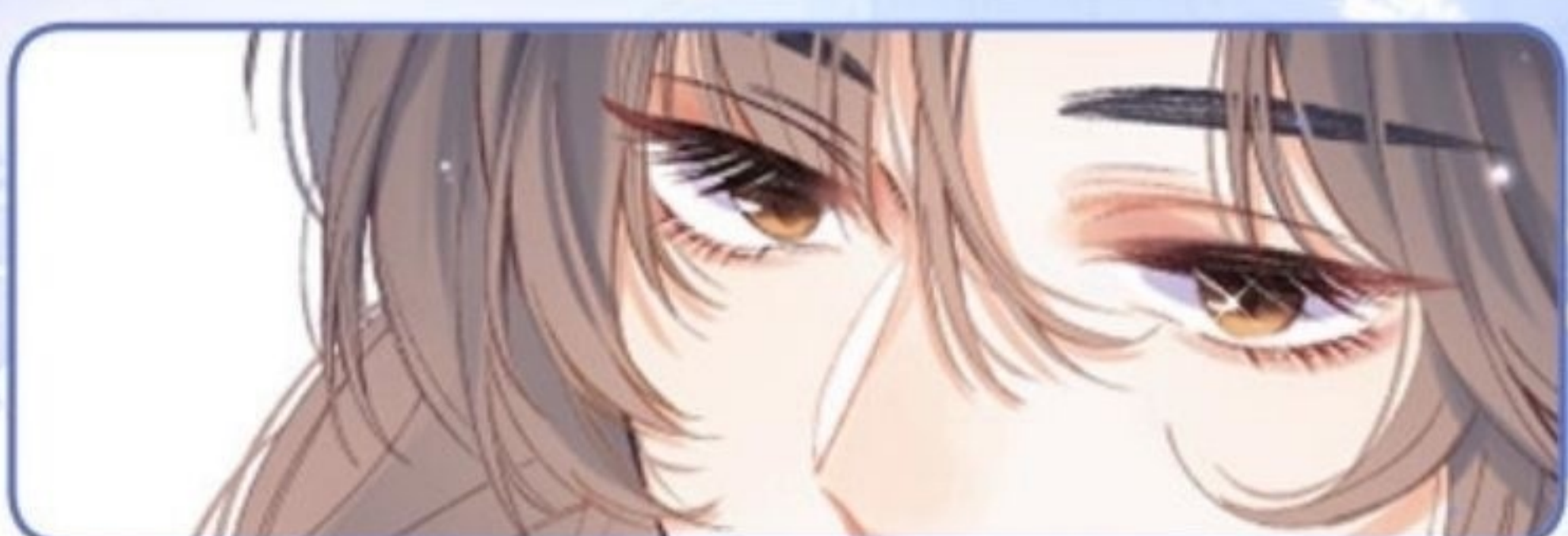
برایه لحظه
عزم گرفت.

چندتن بود

مگه خودت
نگفتی من به زخم؟

46

ولی اگه
زن بودم...



حتما خیلی
خوشگل می شدم نه؟



زود باش
بیا بریم!

دیگه هیچ وقت نمیام
تو این پاساژه نحس!

هوی وایسا،

باید براش
لباسم بگیریم.

به لباسم
خورده بود مگه؟

نا امید شدن

سر تکون دادن



پس
بریم دا...



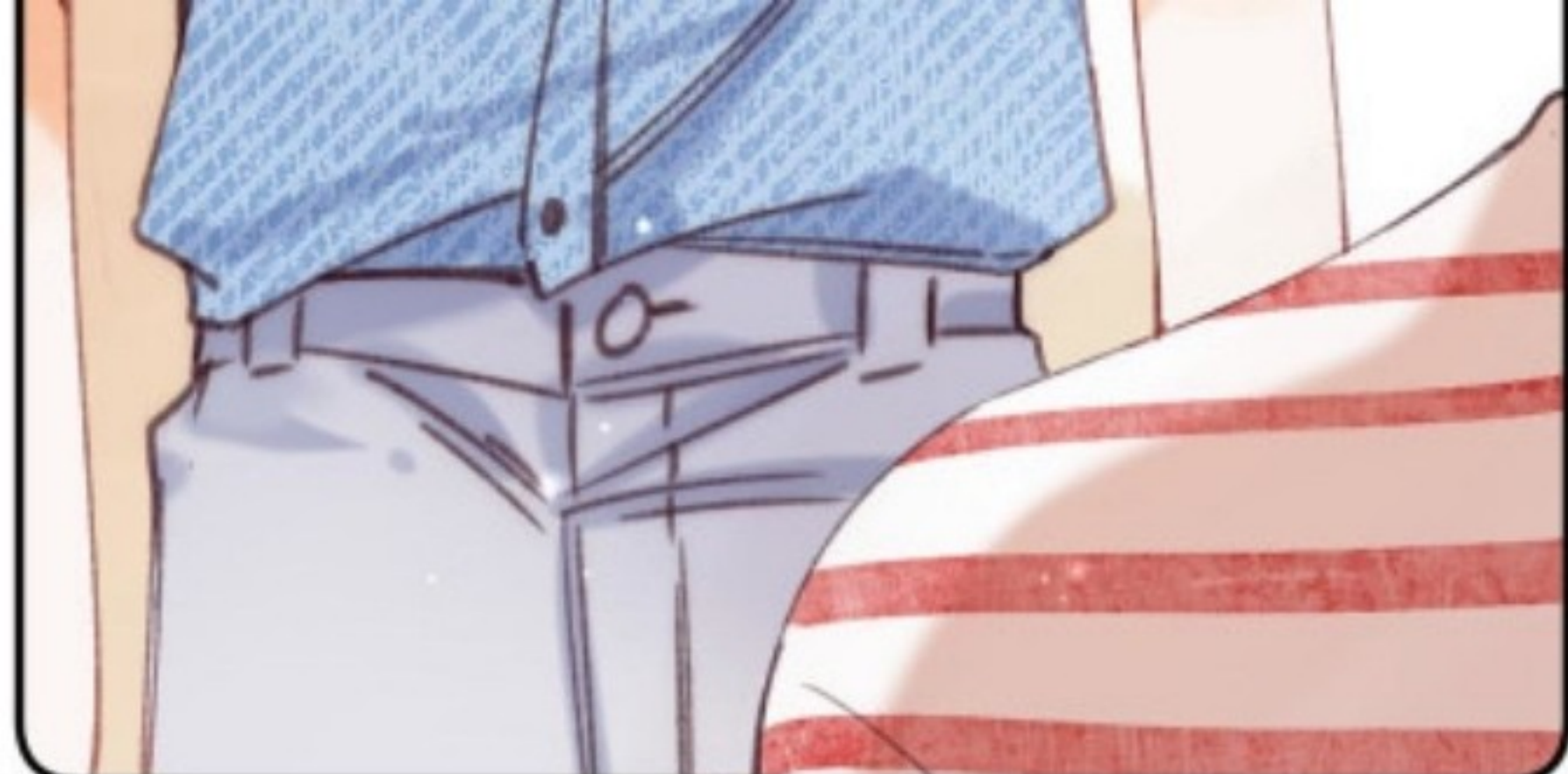
بخشید.

میشه اینارو
بدی به دختری که اسمش
سانگ ژیه؟ توی سرویس
بهداشتیه.

حتما.

واقعا ممنونم.

میشه یه لطف
دیگه بهمون بکنی؟



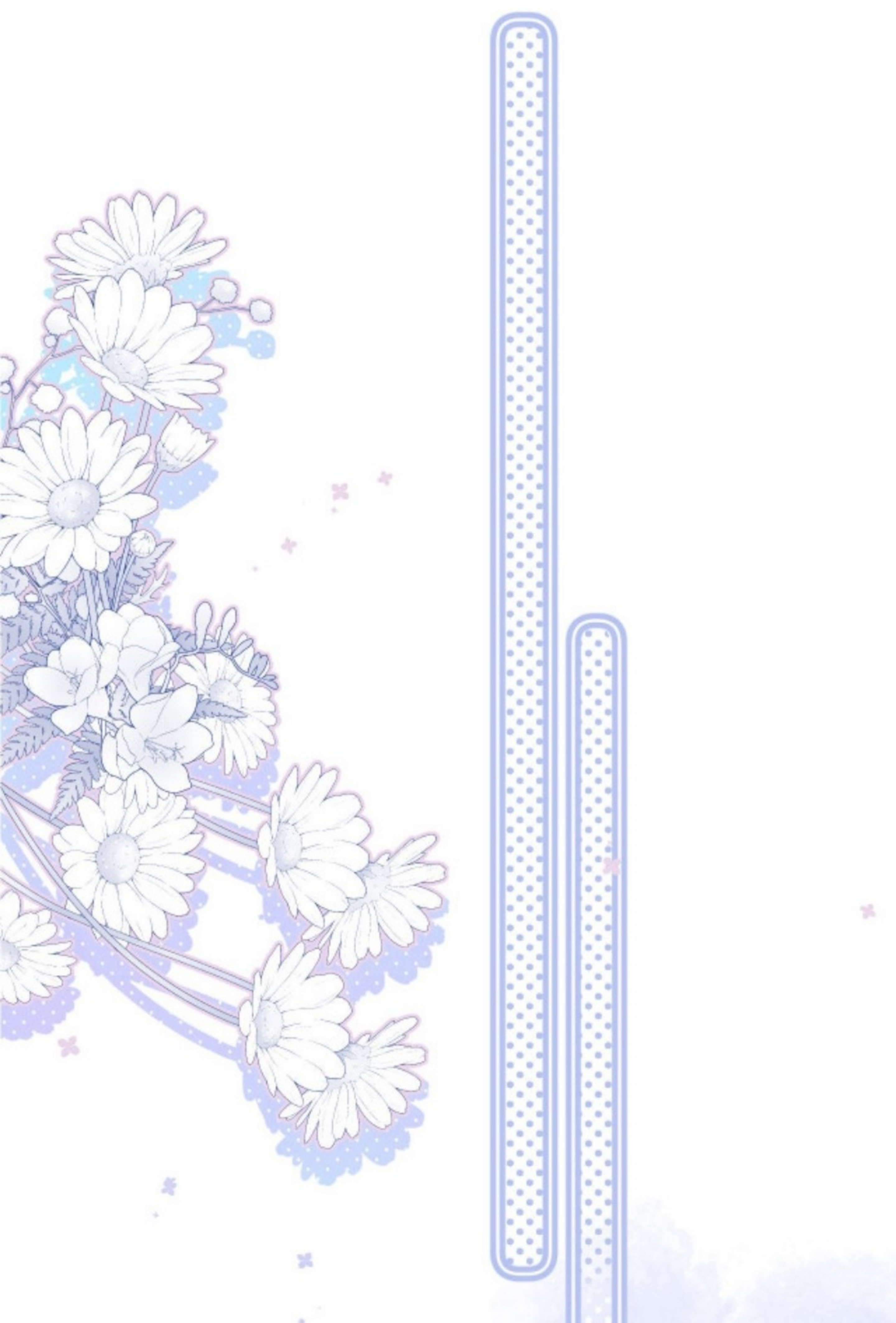
خواهرمون خیلی
بچه‌ست، احتمالاً چیزی
درباره این جور مسائل
نمی‌دونه...




میشه بهش
یاد بدی و یکم باهش
حرف بزنی؟

احتمالاً خجالتی‌تر
از این حرفاست که
ازت کمک بخواد.

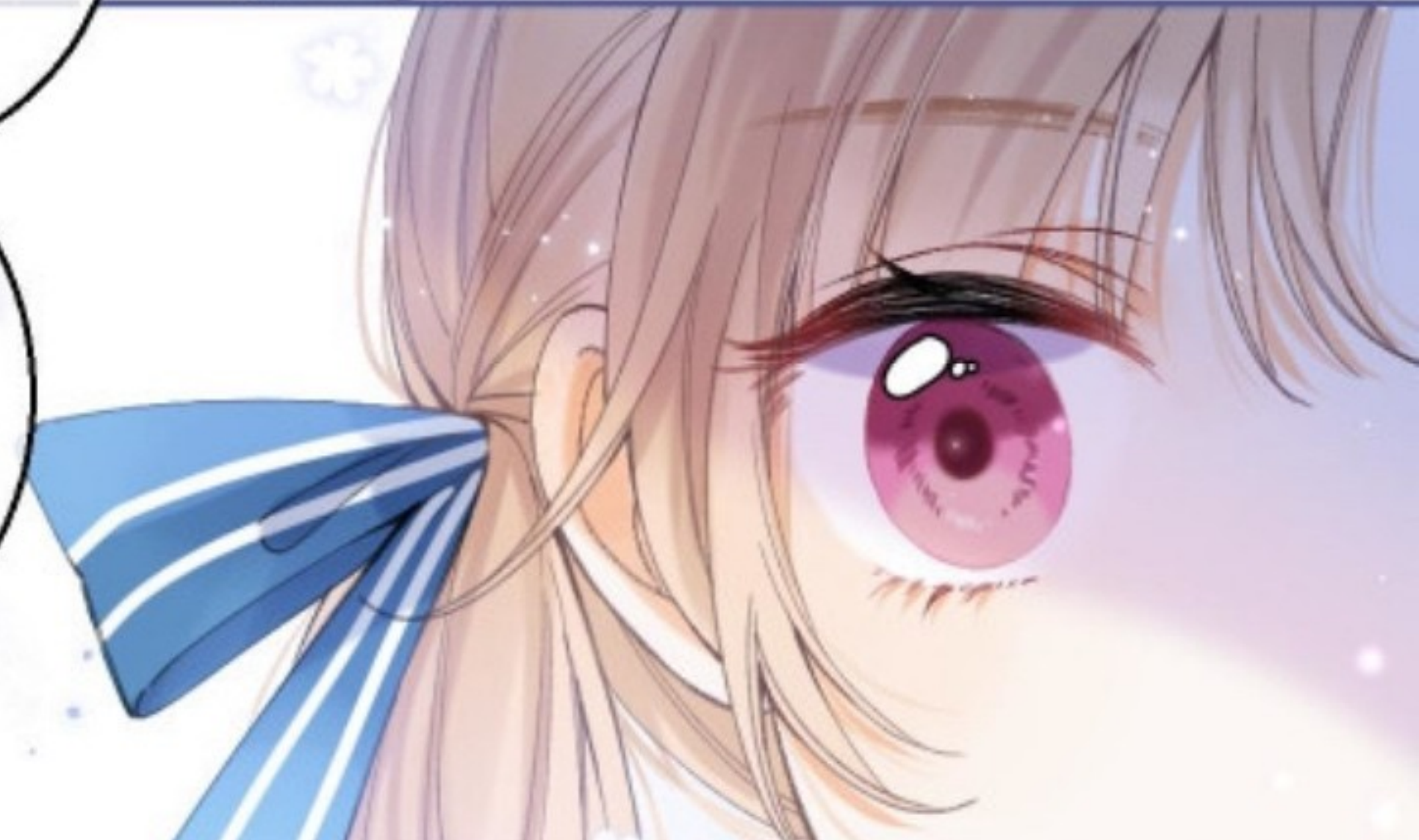









دختر جون،



تو سانگژی هستی؟



داداشت ازم خواست
اینارو بدم بهت،

میدونی چجوری
ازشون استفاده کنی؟

آره.

ممنونم
خواهر جون.



مشکلی نیست.

این اتفاق برای
هر کسی ممکنه بیوفته.

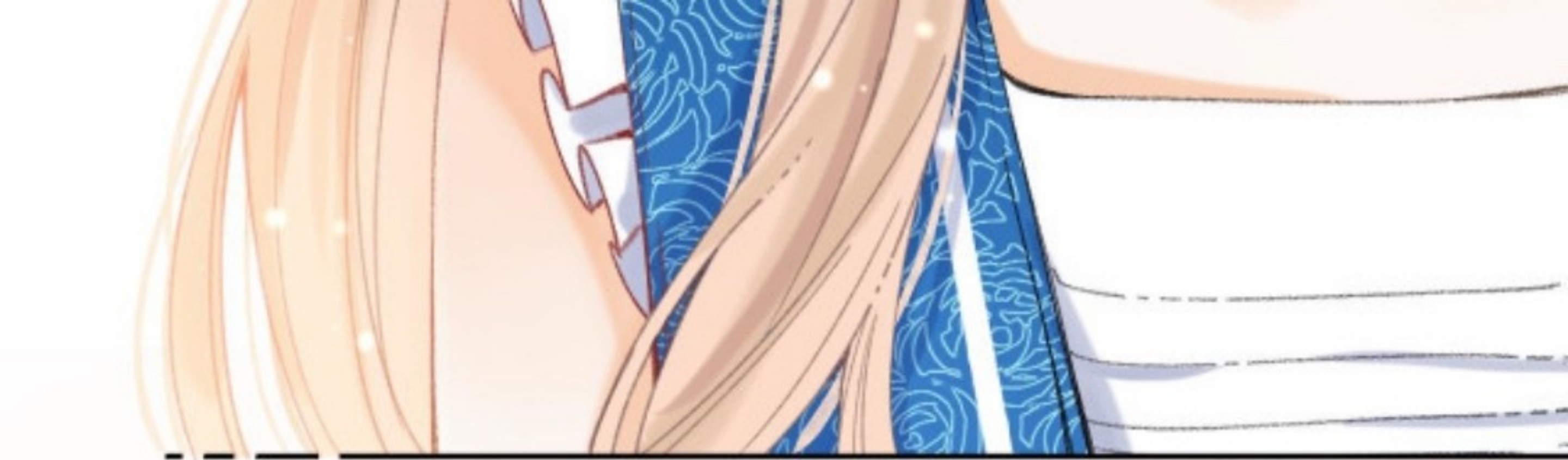
وقتی من همسن
تو بودم، همش گند
می زدم به یونیفرمم.

چیزی نیست.
خجالت نکش و برو
لباستو عوض کن.









بیچہ،
چرا داری
گریہ می کنی؟

چون خجالت
می کشم. خیلی
خجالت آورہ.



کی ہمچین
حرفی زدہ؟



ولی خجالت آورہ!

صو صو
توہم گزارشتیں
تو کیسہ فریزر...
ہمہ ہی بین
توٹن پینہ...





فروشنده
دادش خب.

تقصیر
من چیه؟؟؟

بدش من،
میارمش.





هوی چندشم
شد مسخره!



دیگه بچه نیستی؟
دیگه تکفتی

ولی همیشه سر
پیزای مسخره و بیخود
اشکت درمیاد!

بچه کوروش

به لباست
دماغ نمی مالم که!

بیا بریم.

نازنا نازنا

برات غذای
خوشمزه می خرم.





باربیکیوی سان 



چرا اینقدر
طولش دادین؟

این بچه رفته
بود سروقته این
ماشین شانسیا.*

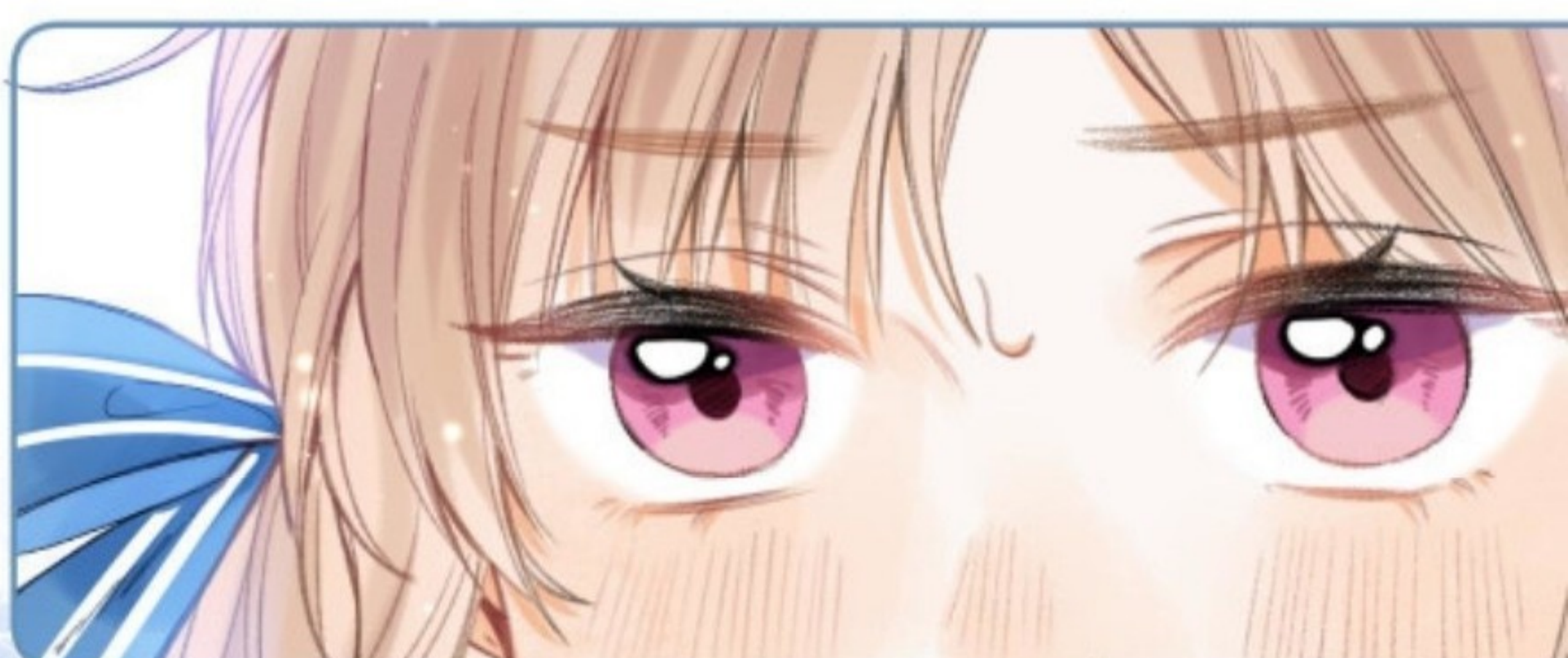
نتونسته بود
چیزی دربیاره برای
همینم گریه کرد.

مترجم: همین ماشینا که به چنگک داره یه سکه می ندرازی بعد توش معمولا
عروسک میریزن هرچی درآوردی ماله فودته.

عیب نداره، عموی!

خودم بعد شام
میرم برات میگیرم.





چشم تو چشم شدن





یکم آب گرم بخور.





ممنونم...

داستان کوتاه~



هانی، بیشتر
بخور عزیزم.



